

کنارتان خواهیم زد! چند کلمه بمناسبت سالگرد فروپاشی دیوار برلین

فواد عبداللہی

هفته گذشته سالروز فروپاشی دیوار برلین بود. آنجلا مرکل صدر اعظم آلمان، ضمن دمی چند سماع و شادی چند باره در کنار بقایای دیوار، آسمان و ریسمان را بهم بافت تا فروپاشی دیوار را "آزادی و پیروزی روح بشر" بخواند. او بزبان ساده نظام خود را اینگونه بیان کرد: "فروپاشی دیوار برلین، پیروزی آزادی بر اسارت و پیام ایمان برای امروز، آیندہ و نسلهایی است که میتوانند دیوارهای دیکتاتوری، خشونت و ایدولوژی را بشکنند."

تمجید می کردند؟ در این سه دهه از دوران "آزاد" سازی در دنیای دموکراسی بورژوازی مرکل ها و بوش ها و بلرها و اباماها و اولانداها و یلتسین ها و نتانیاوها، در این جهانی که معماران بزرگترین کشتارها و نسل کشی های سیاسی و اجتماعی اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم صاف در جامعه راه می روند و به مردم لبخند می زنند؛ در دنیایی که وجب به وجب آن زیر نگیں سرمایه داری است، چه کسی باید این گونه هذیان های فلکلوریک و چاله میدانی را که با دریدگی و حرافی و فلسفه بافی سران دول غربی علیه سوسیالیسم کارگری و آرمان مساوات طلبی ترکیب میشوند، باور کند؟! ... صفحه ۳

کانتون جزیره؛ قدمی بزرگ در دفاع از آزادی زن!

خالد حاج محمدی

هفته گذشته مجمع قانونگذاری اداره مشترک کانتون جزیره از کردستان سوریه، قوانین ارزشمندی در برسمیت شناختن حقوق اولیه زنان این کانتون و در نفی احکام بردگی زن، به تصویب رسانده است. این قوانین از جمله عبارتند از: برابری زن و مرد، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در همه مشاغل برای زنان، حق زنان در تشکیل سازمانهای سیاسی، مدنی و ... برابری زن و مرد در ادای شهادت، حقوق برابر در کار و دستمزد، لغو ازدواج اجباری دختران، لغو مهریه، شیر بها و زن به زن، حق طلاق، لغو چند همسری، قتل عمد دانستن قتلهای ناموسی، حق زن در حضانت از فرزند، ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۸ سال و ...

بر اساس سندی که کانتون جزیره تصویب کرده است، قوانین فوق از وقت اعلام سند قابل اجرا ست. این تصمیم جسورانه در این کانتون گامی بزرگ و مهم و ارزشمند نه تنها در کانتون جزیره بلکه در کل خاورمیانه است. برسمیت شناختن بخش مهمی از حقوق انسانی و اولیه زنان در گوشه کوچکی از کشور سوریه و در خاورمیانه ای که به یمین حاکمیت دولتهای مستبد و سرکوبگر سوپر ارتجاعی بورژوازی، بردگی زن بخشی جدا ناپذیر از قوانین حاکم در همه این کشورها است، گامی بزرگ رو به جلو است. ... صفحه ۴

قطر تبرئه شد؛ بشتابید به سمت غرب!

فواد عبداللہی صفحه ۲

مذاکرات هسته ای با و بر سر طبقه کارگر

مصطفی اسدپور

درس اول مارکسیسم روشن ساختن مبارزه طبقاتی بعنوان دینامیسم جامعه است. طبقه کارگر، جایگاه و سهم این طبقه مضمون گریز ناپذیر کشمکشها و تحولات جامعه است. دوره اخیر تعرض بی امان نئولیبرالهای بورژوازی افسارگسیخته، در بطن تحمیل عقب نشینیهای بزرگ به طبقه کارگر اما دنیا شاهد "نولد" مجدد مارکس و مانیفست کمونیست شد. ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۴ در متن پر تلاطم ترین کشمکشهای سیاسی یک بار دیگر طبقه کارگر و با شفافیتی خیره کننده، مارکس را در کلاسیک ترین هیبت خویش به صدر افکار رانده است.

مذاکرات هسته ای یک تند پیچ مهم در حیات سیاسی جمهوری اسلامی است. این پدیده نه یک چانه زدن نمایشی دیپلماتیک بلکه یک سر فصل در تصفیه حسابها، باز تعریف مواضع و جایجا کردن توازن قواست. تحولات جدی در منطقه و تغییرات مهم در سیاستها و مواضع ایران و طرف حسابهای میبایست در متن مذاکرات اتمی تثبیت شود. ظاهرا این جمهوری اسلامی پر قدرت تر از همیشه، با هیئت حاکمه ای منسجم، در معیت طبقه بورژوازی هم خط، دولتی در بهترین موازنه قدرت منطقه ای، همه و همه با تشریفاتی عظیم در زیر تابلوی "مذاکرات اتمی" در کریدورهای دور دست دیپلماتیک جولان دار صحنه بود.

در دنیای واقعی نفس مسایل هسته ای و نفس مذاکره هیچکدام پدیده تازه ای در کل رابطه میان جمهوری اسلامی و طرف حساب امریکایی - غربی نبوده است. در ده سال اخیر مذاکرات و توافقها و سعی در تفاهم و همکاری در میان طرفین هیچ گاه قطع نشده است. سیاست امریکا در سازش با جمهوری اسلام هیچ گاه باین اندازه جا افتاده نبوده است. ... صفحه ۲

ابعاد فعالیت‌های هسته ای ایران و تمایل بر سر کنترل بین المللی و توافق بر سر آن بر دوست و دشمن روشن تر از این نمیتوانست باشد. در این بستر اما پیچیدگی این کشمکش در جای دیگر نهفته است.

مذاکرات هسته ای، در واقع مذاکره ای بر سر طبقه کارگر در ایران و بر سر طبقه کارگر در ایران است. مطلوبیت و هسته اصلی این دوره مذاکرات برای جمهوری اسلامی بلاواسطه تولید و مشخصتر از آن بر سر طبقه کارگر در ایران بوده است. البته که رفع تحریمها هدف رسماً اعلام شده جمهوری اسلامی در این دور مذاکرات را تشکیل داده است اما در این میان مشخصاً آزادسازی سرمایه های خارجی در عرصه تولیدی در مرکز قرار گرفته است. در این مذاکرات جمهوری اسلامی قدرت نمایی و مطلوبیت و همه برگ برنده اش در یک جمله خلاصه میشود: یک طبقه کارگر ارزان و سرکوب شده، آیا خریداری هست؟ مذاکرات هسته ای برای جمهوری اسلامی کشمکشی همزمان در دو جبهه بوده است. اگر مذاکره و سازش، وعده و وعید، اگر تهدید و گرو کشی از اجزای طبیعی این پروسه است، حادثترین جلوه هایش را در رفتار جمهوری اسلامی با طبقه کارگر میتوان سراغ گرفت.

دور اول مذاکرات را باید با فشار و تمرکز جنون آمیز تبلیغاتی، روانی و سیاسی خطاب و علیه کارگر بازشناخت. پیروزی، اگر پیروزی در کار میبود میبایست در راه افتادن چرخهای تولید در خدمت سرمایه های خارجی و توسط ارزانترین، مطیعترین و پرسودترین بخش طبقه کارگر در

منطقه و جهان خود را نشان دهد. رذالت و دشمنی جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار در ایران همه مرزهای چرکین تاریخ را پشت سر گذاشته است. دوره دوره رقابت بر سر جذب سرمایه است اما هنوز بسختی بتوان دستگاه دولتی و رسانه ها و خیل پژوهشگران خیر خواه سرمایه را سراغ گرفت که چنین جنون آمیز فقر و استیصال یک طبقه دهها میلیونی را از زبان آمارها و رپرتاژها جار بزنند و بدون وقفه تباهی طبقه کارگر را در قانون چهار میخه کنند. راستی منت "تدبیر" اینها بر سر طبقه کارگر برای چیست؟ کدام نعمت، کدام امنیت، کدامین رفاه، کدام آسایش، کدام آینده؟

در آستانه دور دوم مذاکرات اتمی از هر دو طرف هشدار و ضرورت واقع بینی بگوش میرسد. امروز دیگر اثری از هیاهوی اولیه و روده درازیهای ژورنالیستی باقی نمانده است. امروز نسیم "سازندگی بجای تخاصم" از نفس افتاده است و بازار "تدبیر و امید" گرم نیست. در آمادگی مواجهه با شکست احتمالی مذاکرات، مقامات جمهوری اسلامی مراقبند که پلها خراب نشود، راه بازگشت را باز میگذارند، مبادی آداب هستند. اما در مقابله با طبقه کارگر در ایران سر سوزنی کوتاه نمیایند. در مباحثات امروز از هزار کانال طبقه کارگر را به دالانهای دنیای سیاسی و دیپلماسی دعوت کرده و با بازگویی سخاوتمندانه جزئیات مذاکرات اصرار دارند به کارگران بقبولاند که جمهوری اسلامی همه تلاش خود را صورت داده است، به همه شرایط طرفین مذاکره گردن نهاده است و در بن بست که امریکا و طرفین ایجاد کرده اند، طبقه کارگر باید به میدان بیاید، کمبودهای ناشی از تداوم محاصره اقتصادی را جبران کند و با همت

خود صنعت و اقتصاد را با فداکاری ملی براه بیاورد. مساله محوری پرونده اتمی و کشمکشهای حول آن بر سر طبقه کارگر در ایران است. صلح اینها بدون گردن گذاشتن طبقه کارگر به چند نسل از کار و تباهی مفت نمی آرزید. شکست مذاکرات فقط از آنجایی موجب نگرانی است که طبقه کارگر را به جای تسلیم به صرافت مبارزه مستقل بیاورد.

قرار بود پروسه مذاکره بمثابه اهرم تقویت موقعیت جمهوری اسلامی در مقابل کارگران عمل کند. قرار بود بحران کمر کارگر در ایران را بشکند، قرار بود فقر و تباهی کارگر را به انتظار و تسلیم وا دارد ... اما پروسه مذاکرات دور تازه تری از اعتراضات کارگری را به همراه آورد. اعتراضاتی که نه برای وعده حقوق بشر آمریکا تره خرد میکرد و نه حاضر بود در مقابل وعده سر خرمن رشد آینده اقتصادی از حقوق و دستمزد امروز خود بگذرد.

امروز و در پس تب و تاب مذاکرات هسته ای و در بهیوه تلاطم های سیاسی حاد در جمهوری اسلامی، زمانیکه حکومت و طبقه سرمایه در ایران همه توان و ظرفیت خود را بکار گرفته اند، سوال اساسی در مقابل آن جامعه اینستکه طبقه کارگر چه آینده ای را در مقابل جامعه قرار میدهد؟ میخواهد با آن جامعه چه کند؟ در این فاصله تک تک اعتصابات کارگری و در راس همه اعتصاب معادن آهن بافق در مواجهه با این سوال بر تامین فوری منافع طبقاتی خود پافشاری کردند. این راهی است که طبقه کارگر و کل آن جامعه را میتواند نجات دهد.

مزد را بپا کرد اگر که متحد و مطیع عمو سام بمانید؛ میتوان تاریخ سرمایه در قرن ۲۱ را در چرک و خون و کثافت، آلودیت کرد؛ میتوان فراغنه را دوباره زنده کرد و از عطش سیری ناپذیر سرمایه، از به بردگی کشیدن زحمتکشان قصرها به پا کرد؛ میتوان انسان را از انسانیت تهی و پشیمان کرد و افق و آینده ای برای نسل های بشری به جا گذاشت؛ هر کاری که به سودآوری و انباشت سرمایه بیشتر کمک کند در این نظام مجاز است؛ حقوقی است؛ مقدس و معتبر است.

اما یک کار "غیر قانونی" هم می شود کرد؛ بگذار دنیا بداند که جذابترین تورنومنت های دنیا حاصل خون کارگرانی است که تا سر حد مرگ توسط کمپ سرمایه داری غرب از آنها کار کشیده اند؛ می توان زیر بساط این "نظم" و "قانون" زد؛ می توان برج و باروی شیخ پشم الدین های منطقه را نشانه گرفت؛ میتوان نیروی عظیم و بلقوه کارگران را بسمت اعتصابات و اعتراضات گسترده سازمان داد؛ می توان بیاد محمد بو عزیز، کارگر دست فروش تونسسی که با خودسوزی اش مشعل انقلابات منطقه را روشن کرد، سرمایه را درد کرد ...

قطر تبرئه شد؛ بشتابید به سمت غرب!

فواد عبدالملی

ها و رای مقامات را خرید، رشوه داد و رشوه گرفت. می توان متحد بازار آزاد و صاحب غولترین میادین تولید گاز جهان بود؛ میتوان هم پیمان سیستمی بود که در آن در هر پانزده ثانیه کارگری در گوشه ای از آن بر خاک می افتد و قربانی سود سرمایه می شود؛ میتوان خودکشی، استرس، فشارهای روحی ناشی از سختی کار، کابوس بیکاری، گرسنگی، تحقیر و توهین، و دهها معضل دیگر را زیر فرش کرد مادامیکه متحد نظم و نظام سرمایه داری بمانید. میتوان هر خلاقی را "قانونی" کرد، هر جنایتی را تبرئه کرد، هر قتلگاهی را استادیوم و تفریحگاه و شاپینگ سنتر کرد مادامیکه هر ساعت و هر لحظه کنار دست حکام دول غربی عکس می گیرید. میتوان متحد اعلامیه حقوق بشر بود مادامیکه ثروتمان با سرمایه یک درصدی ها برابری کند؛ می توان بزرگترین زندان بردگان مفت و بی

بعد از گذشت چهار سال از اعطای میزبانی جام جهانی فوتبال به قطر، پاسخ دوحه به مسائل مربوط به سوءاستفاده از کارگران مهاجر از وعده ها و پیش نویسی های قانونی فراتر نرفته است. فیفا که در این باره تحت فشار شدید افکار عمومی و اتحادیه های کارگری قرار گرفته بود، روز پنج شنبه گذشته در یک دادگاه قانونی، قطر را از اتهامات مربوطه تبرئه کرد.

جای تعجب نیست؛ میتوان متحد غرب بود و تا سر حد مرگ از گرده کارگر کار کشید و سر آخر تبرئه هم شد. میتوان جاده صاف کن صندوق بین المللی پول بود و بهره کشی و کار اجباری را قانونی کرد. میتوان در هماهنگی کامل با غرب، خالق داعش ها و سیاه ترین نیروهای تاریخ بشر بود و همزمان میزبان جذاب ترین تورنومنت دنیا؛ میتوان رسانه

مرکز جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

کنارشان ...

”پیروزی روح بشر“، وصف حال سیستم و نظامی است که گردانندگانش بر متن تحمیل عقب نشینی های تاریخی به جامعه بشری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، در دل بازپس گیری حقوق کارگران، زنان، کودکان، معلولین، بازنشستگان، بر متن پروسه تبدیل پایتخت های اروپایی به شهرهای بیکاران و بی خانمان و در حالیکه هر روز توسط ”نمایش و فیگور“ گرسنگی، جنگ و جسد و خون در میدیا و رسانه های بورژوازی بمباران می شوند، بر متن رشد عقب مانده ترین و افراطی ترین گرایشات و جریانات مذهبی و قومی و در دل یک نظم فوق ارتجاعی جهانی، عر و تیز ”پیروزی آزادی بر اسارت“ شان گوش فلک را کر کرده است، بر جهان لنگر انداخته اند.

”پیروزی روح بشر“ بر متن توحشی که امروز جهان ما را در نوردیده، از پاکسازی های قومی و مذهبی در سومالی و رواندا و یوگوسلاوی تا هجوم باندهای آدمکش اسلامی همچون داعش، بوکوحرام و القاعده، از گوانتاناموها تا ابوغریب ها و اوین ها و ... قابل فهم است. ”روح بشر“ پیروز شد تا نظام ”آزاد“ بازار به سرکردگی مرکل ها و شرکا، جسارت تعرض به ساحت رفاه و امنیت و آزادی های فردی و اجتماعی را پیدا کنند. فروپاشی دیوار برلین، ۲۵ سال است که یک مشاهده و یک حقیقت را هر سال و هر روز و هر ساعت بازتولید میکند: تاخت و تاز بربریت عریان بورژوازی در دنیای ”بدون خطر سوسیالیسم“.

اگر آغاز قرن بیستم، مصادف بود با تحقق انقلاب اکتبر و امید به ساختن یک دنیای شایسته زندگی بشری که از استثمار و نابرابری به تنگ آمده بود اما در جهان امروز، شاهدیم که چگونه بورژوازی مشغول دهن کجی به تلاش انسان ها و هرس کردن هر گونه امید به آزادی، آینده و نسل هایی است که بزعم خاتم مرکل ”میتوانند دیوارهای خشونت و ایدئولوژی را بشکنند!“ دلیل ماندگاری بورژوازی بر متن سه دهه حمله راست به جنبشها و دستاوردهای انسانی در دل نظم جهانی حضرات، در دل فروپاشی دیوار برلین و نعره های شکست سوسیالیسم و میدان دار شدن گرایشات سنت گرا، مذهبی و ناسیونالیستی، بر بستر افزایش گرسنگی و بیکاری و جنگ و تاریکی قابل توضیح است.

ناگهان تمام دستاوردهای دوپست ساله اخیر که با عصر روشنگری از اواسط قرن ۱۷ شروع شد و با مشخصاتی مانند رشد صنعتی، شهرنشینی، راسیونالیسم، سازمانیابی مدرن جامعه، توریسم، تولید انبوه، جنبش کارگری، اتحادیه ها، بیمه بیکاری، انقلابات اجتماعی، کاهش نقش کلیسا و مذهب و خانواده، به مرکز آمدن مسله زن و غیره مشخص میشد، به کناری گذاشته شد. حقیقت محو شد؛ هذیان گویی ”علمی و هنری“ گل کرد و جانبداری عملی و حمایت مالی و لجستیکی بورژوازی از فرهنگ و سنت و جنبش های

پیشامدرن مد شد. مضمون مقوله و مفهوم بی اعتبار شد و بر فیگوری که تماشاگران از ”واقعیت“ می گیرند سرمایه گذاری شد. واقعیت با تصاویر مترادف گرفته شد. قرار شد این تصاویر مبنایی باشد که هر فرد جهان خود را با آنها بسازد. انتگراسیون جای خود را به آزادی خصوصی شده مبتنی بر ”انتخابات آزاد“ داد تا حقوق جهانشمول انسان لگدمال شود و سرمایه داری و توحش لگام گسیخته بازار، پرسپکتیو جهان ما را شکل دهد. ناگهان معلوم شد که فرد مجاز است هر کاری میتواند بکند. نسبت فرهنگی گل کرد و نقد سنت، هنر و عقاید و فرهنگ های ارتجاعی، جرم محسوب شد. کل تاریخ و تجربه بشر بی هیچ گذشته و آینده ای در زر ورق نازک و زودگذر زمان پیچیده شد. لاقیدی نسبت به تاریخ در فضای آکادمیسم رشد کرد. اگر در آغاز قرن بیستم مبارزه علیه مذهب، عقب ماندگی، جهالت فرهنگی و مردسالاری فرض هنر و ادبیات و احزاب مترقی و جنبش های کارگری - کمونیستی که مدعی مبارزه برای حقوق برابر شهروندان مستقل از تعلق ملی، نژادی، مذهبی و جنسی بود، امروز و بعد از سه دهه از فروپاشی دیوار برلین سیمای جهان ما را تبعیض و تقسیم بندی انسانها به اقوام و مذاهب و کاتگوری ها و فرهنگ سازی های جعلی، گرم کرده است. در یک کلام، تمام ایده آلهای برابری طلبانه، آزادی خواهانه، نفس خوشبینی به ذات آدمی، انتظار اینکه جامعه میتواند بسمت بهبود برود، و حتی هر جهان نگری و نگرش فلسفی ای که به هر نحوی آدم را عنصری موثر در زندگی خویش تعریف کند، عقب رانده شدند.

سقوط بلوک شرق نه آغاز دوره ”صلح“ و ”دموکراسی“ بوده و نه ”پایان کمونیسم!“ مفاهیم و فرمولهای کلیدی ای از قبیل ”پایان کمونیسم“، ”بازار آزاد“، غلبه ”دموکراسی“، ”پایان دیکتاتوریهها“، ”صلح جهانی“، ”پیروزی مدنیت غربی“ و غیره، که از زبان رسانه ها و سیاستمداران و سخنگویان بورژوازی در تمام این مدت بالای سر جامعه چرخ میزدند بی آنکه بالاخره فرود بیایند، یکی پس از دیگری کنار گذاشته شده اند. اتفاقا زیر دماغ نظام ”آزاد“ حضرات، بحران و اغتشاش و هرج مرج از سر و کول جامعه جهانی بالا رفته است. جهتگیری ایدئولوژیکی و سیاسی بورژوازی همراه با باورهای بنیادی اقتصادی اش زیر سوال است. حتی یک ایدئولوگ معتبر و یک محفل فکری با نفوذ ندارند که نشان کسی بدهند. قرار بود بازار حلال همه مسائل و مشکلات بشود. در یک کلمه تبیین ها و پیش بینی های بورژوازی پوشالی از آب در آمد. آنچه واقعی از کار در آمد، تشتت، خلاء ایدئولوژیکی، خلاء معنوی و بهم پاشی جنبش ها و حرکت های حزبی اصلی خود بورژوازی است.

و اما ماجرای ”پیروزی آزادی بر اسارت!“ واقعا قدر امثال مرکل را باید دانست؛ کیست که بتواند در این روزگار و کارزار سخت مبارزه طبقاتی، گاه و بی گاه به بهانه این نوع مناسبات بی آنکه قصد

شوخی داشته باشد، لبخندی بر لب کمونیستها و کارگران بیاورد. این لیچارها را بیش از این نمی توان به بشریت قالب کرد. ”آزادی“ لشکرکشی نظامی، ”آزادی“ هوا کردن جنگنده ها و با خاک یکسان کردن خاورمیانه، ”آزادی“ باز تولید فرودستی و ستم بر زن، ”آزادی“ بکار کشیدن کودکان، ”آزادی“ بدور انداختن پیران، ”آزادی“ در سازماندهی فحشا و تولید و توزیع مواد مخدر، ”آزادی“ تسلیح و سازمان دادن جریانات ارتجاعی از القاعده تا طالبان و داعش، ”آزادی“ کشتار و ارباب و تحمیق و تفرقه افکنی، ”آزادی“ بی مسکنی، ”آزادی“ فقدان بهداشت و بی دارویی، ”آزادی“ بی غذایی، ”آزادی“ عاقل و باطل افتادن وسایل تولید و تامین نیازهای بشر، ”آزادی“ افزایش بیکاری، آزادی زندگی زیر خط فقر، آزادی شلیک به سینه کارگرانی که اگر سر خود به وسایل تولید چنگ ببندازند، آزادی کتک زدن معدنچی، آزادی بیا کردن و گندیدن کوه های لبنیات و گندم و دارو در انبارهای جامعه اقتصادی حضرات و کمی آنطرف تر آزادی تحمیل قطعی و ابولا و ایدز و مالاریا به مردم آفریقا، آزادی فروش نیروی کار به اقلیتی مفتخور؛ و تمام این آزادی ها حول منحنی نرخ سود می چرخند. این است آن هیولای ”آزادی“ بورژوازی و معمای دموکراسی پارلمانی در مقابل طبقه کارگر و جامعه بشری.

پسماندهای دیوار برلین نوش جانشان؛ با فریاد میلیونها بیکار و میلیونها کارگر خسته و خشمگینی که طنین اعتراضشان از کارخانه ها و محلات سن پائلو تا مونترال تا پاریس و برلین و آتن و پکن و قاهره و عسولویه و معادن سیبری خواب راحت را از سرمایه داران سلب کرده است، چه میکنند؟! با بی اعتبار شدن ایدئولوژی اقتصاد بازار، با بی آبرو شدن دموکراسی پارلمانی شان چه می کنند؟! با فقر و فلاکت میلیونی ناشی از جنگ های بی انتهای ساخته امپریالیسم این عصر، با مرگ و میرهای میلیونی قابل اجتناب، با تشدید زاید الوصف فاصله فقرا و ثروتمندان، با حاد شدن اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی و با صدای معترض پیر و جوان در قلب خیابان های آتن و قاهره و حلب و نیویورک چه می کنند؟! با وحشت و انزجار بشریت از آتیه سیاهی که در آن انقراض نسل های بعدی بسیار محتمل است، چه می کنند؟! با شرایط امروز سرمایه داری و نظام تا خرخره در بحران فرو رفته و با دنیای آستن تحولات بزرگ چه می کنند؟! با شیخ کمونیسم و سایه مارکس در بیخ گوششان چه میکنند؟

... کاری نمیتواند بکنند؛ کنارشان خواهیم زد! کمونیست ها و طبقه کارگر کاری دارند کارستان ...

کارگران جهان متحد شوید!

کانتون جزیره ...

بی تردید این حرکت و عملی کردن آن در خود سه کانتون کردستان سوریه تأثیری مثبت و بزرگ بر زندگی مردم در این منطقه و بر زندگی زنان دارد. برسمیت شناختن حق و حقوق اولیه زنان و لغو بخش عمده قوانین بردگی حاکم بر زنان در این جغرافیا، روزنه ای از امید بر روی بشریت و کل زنان در سوریه و در کل خاورمیانه باز خواهد کرد و فی الحال گشوده است.

تصویب این قوانین همزمان تعرضی به فرهنگ ضد زن و پوسیده حاکم در این مناطق است. یک وجه تعرض به داعش، به قوانین اسلامی، به زن ستیزی که به یمن حاکمیت دولتهای بورژوازی و مستبد به بشریت تحمیل کرده اند، اقدام عملی و اعلام رسمی قوانین انسانی از این قبیل است که کانتون جزیره امروز تصویب کرده است. این حرکت دستاوردی مهم و ارزشمند برای جنبش آزادی زن و بشریت متمدن در کل خاورمیانه و حتی در سطح جهان کسب است.

تصویب قوانین فوق همزمان مشت محکمی بر دهان همه رسانه های غربی، همه تئوریسین های حقوق بگیر و همه دولتهای "جهان متمدن" است که به نام "فرهنگ مردم خاورمیانه" و "انتخاب آزادانه آنها"، نه تنها نسبت به زن ستیزی دولتهای متحد خود در خاورمیانه و جهان سکوت میکنند، بلکه و بعلاوه در تقدیس قوانین ضد زن، مذهبی، عقب مانده و مردسالارانه به نام نسبیت فرهنگی و "احترام به فرهنگ آن مردم" سنگ تمام گذاشته اند. دولتهایی که در پایتخت کشورهای اروپایی دست اسلام و مراکز اسلامی و مراکز دینی از همه نوع آنرا علیه زنان و برای بی حرمتی و تحقیر و توهین به زن باز گذاشته اند.

بی تردید جنگ قهرمانانه زنان کوبانی علیه داعش و علیه قوانین اسلامی آن، علیه حاکمیت اسلام ناب محمدی و خرید و فروش و بردگی زنان، در دفاع از حق حیات و زندگی و خانه و کاشانه خود نقش جدی در تصویب چنین قوانین انسانی و بر حقی را داشته است.

قطعا مردم کانتون جزیره و تصویب جسورانه قوانین فوق دریچه ای را بر کل مردم منطقه و خصوصا زنان و جنبش برابری زن و مرد باز خواهد کرد و الگویی زنده و قابل تکثیر را در مقابل آنها قرار خواهد داد. تصویب این قوانین در گوشه ای از سوریه، جنبش حق زن را در کل منطقه رشد خواهد داد و زمینه دخالت جدی زنان و مردان آزادیخواه برای عقب زدن فرهنگ پوسیده ضد زن را فراهم میکند و امید به پیروزی را رشد خواهد داد.

این حرکت همزمان تعرضی به کل ناسیونالیسم کرد است که در تمام طول تاریخ، زیر عباي آخوند، اسلام و قران و احترام به قوانین اسلامی علیه هر نوع تمدن و حق اولیه زنان سنگر گرفته اند. تعرضی است به دولت اقلیم کردستان به عنوان قبله گاه کل ناسیونالیسم کرد در منطقه که در بیست سال گذشته حاکمیتشان، کردستان عراق به مرکز زن آزاری، مرکز قتل و جنایت علیه زنان و مرکز قتلهای ناموسی تبدیل شده است. حاکمیتی که در کنار مسجد و اسلام و آخوندهای مرتجع بیشترین بی حقوقی و جنایت را علیه زنان و در دفاع از فرهنگ مردسالار و زن ستیزی را رواج داده اند.

این سند با همه ارزشهای والای آن، متأسفانه هنوز آثار فرهنگ عقب مانده و اسلامی را بر خود دارد که در بند ۱۸ سند به نام "مجازات شدید، بدون تفاوت جنسیتی، در مورد خیانت طرفین" آمده است. این بند نه تنها در حمایت از زنان سدی نخواهد بست، که حربه ای به حربه های موجود علیه زن و مرد می افزاید. این بند امکان دخالت در زندگی خصوصی مردم، چه زن و چه مرد را باز می گذارد و در نتیجه به خاطر فرهنگ و سنت رایج مردسالار، این زنان خواهند بود که بیشتر از مردان مورد تعرض قرار خواهند گرفت.

www.radioneena.com

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A
13*
Frequency: 12597
POL: V
FEC: 3/4
Symbole rate: 27599
Audio PID: 2130

www.hekmatist.com

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com